

## کتاب دانیال - شماره یکصد و سی و نه

تطابق پیشگویی دانیال ۱۱:۴۰ با واقعیت‌های سیاسی معاصر: رمزگشایی از معمای آخرین رئیس‌جمهور

Jeff Pippenger

2024-03-16

ما در حال بررسی انطباق آیهٔ چهل باب یازدهم کتاب دانیال با آیات یک و دو از همان باب هستیم. آیهٔ یک «وقتِ آخر» را در سال ۱۹۸۹ مشخص می‌کند، و آیهٔ چهل نیز همان «وقتِ آخر» را در سال ۱۹۸۹ نشان می‌دهد، همراه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که نماد آن تخریب دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ بود.

آیهٔ دوم ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از سال ۱۹۸۹ را ثروتمندترین همهٔ رؤسای جمهور معرفی می‌کند و بدین ترتیب به دونالد ترامپ اشاره می‌کند. با این کار تصریح می‌کند که ترامپ سراسر «یونان» را «تحریک خواهد کرد»، که همان امپراتوری یونانی اسکندر کبیر در آیهٔ سوم بود. پادشاهی یونان، آیات سوم و چهارم نماد یک پادشاهی جهانی در باب یازدهم دانیال است.

ویلیام میلر عبارت «تاریخ و نبوت موافق‌اند» را ابداع کرد، و تاریخچهٔ دونالد ترامپ شواهدی غیرقابل انکار به دست می‌دهد که او نه تنها ثروتمندترین هشت رئیس‌جمهور اخیر ایالات متحده بود، بلکه جهانی‌گرایان، ایالات متحده و سراسر جهان از دونالد ترامپ نفرت دارند؛ با نفرتی چنان غیرمنطقی که بسیاری آن را دیوانگی می‌نامند.

نخستین هشت رئیس‌جمهور آخر، که با سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شوند، به روشنی در جنبه‌های گوناگون نمونهٔ ترامپ بود و بدین ترتیب تأیید می‌کرد که رئیس‌جمهور ششم در آیهٔ دوم، نهایتاً هشتمین و آخرین رئیس‌جمهور خواهد بود. ریگان، به عنوان نخستین نفر در سلسله‌ای از هشت تن، نمایانگر هشتمین و آخرین بود، زیرا عیسی همواره پایان چیزی را با آغاز آن نشان می‌دهد.

شهادتِ رونالد ریگان، که در سال ۱۹۸۹ در «زمان پایان» رئیس‌جمهور بود، به گونه‌ای نبوی نمایندهٔ آن رئیس‌جمهوری است که آخرین هشت رئیس‌جمهور خواهد بود. پس از ریگان هفت رئیس‌جمهور خواهند بود، زیرا ایالات متحده به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس با قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع به پایان می‌رسد، و در روند منتهی به آن قانون یکشنبه، ایالات متحده تصویر وحش را شکل می‌دهد، و آن وحش هشتم است و از آن هفت‌تاست. ریگان نخستین رئیس‌جمهور در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ بود، و آخرین هشتم خواهد بود، یعنی از آن هفت‌تا.

رونالد ریگان در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۷، در جریان سخنرانی‌ای در دروازهٔ براندنبورگ، در نزدیکی دیوار برلین در برلین غربی آلمان، خطاب به دبیرکل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گورباچف، چنین گفت: «جناب دبیرکل گورباچف، اگر در پی صلح هستید، اگر در پی رفاه برای اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی هستید، اگر به دنبال آزادسازی هستید: به این دروازه بیاپید! آقای گورباچف، این دروازه را بگشایید! آقای گورباچف، این دیوار را فرو بریزید!» مشهورترین جملهٔ نخستین نفر از میان هشت رئیس‌جمهور اخیر، دو سال بعد، در ۹ نوامبر ۱۹۸۹، با فرو ریختن دیوار به تحقق پیوست.

بدین‌سان، تأکید ریگان بر فرو ریختن دیوار، با رئیس‌جمهور هشتم سخن می‌گفت؛ کسی که در حالی که برای تبدیل شدن به رئیس‌جمهور ششم رقابت می‌کرد، کارزار خود را بر وعده «ساختن دیوار» بنا کرد. نخستین نفر از آخرین هشت رئیس‌جمهور خواستار فرو ریختن دیوار شد و دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، در

زمان پایان، فرو ریخت. در زمان قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد، «دیوار» جدایی کلیسا و دولت فرو ریخته خواهد شد، چنان‌که آغاز آن در ۱۹۸۹ نمایان شد. در میانه آن دوره، رئیس‌جمهور ششم که جهانی‌گرایان را برمی‌انگیزد، می‌کوشد دیواری بسازد که آنان نمی‌خواهند، و هنگامی که او بار دیگر هشتمین رئیس‌جمهور از میان آن هفت نفر شود، «دیوار» دیگری فرو خواهد ریخت.

نخستین آن هشت رئیس‌جمهور با فرو ریختن دیواری مشخص می‌شود که نشانگر وقت آخر بود، چنان‌که در دانیال باب یازدهم آیه چهل آمده است، و آخرین آن هشت رئیس‌جمهور با فرو ریختن یک «دیوار» مشخص می‌شود که پایان زمان مهرشدن صد و چهل و چهار هزار را نشان می‌دهد، چنان‌که در دانیال باب یازدهم آیه چهل و یک آمده است.

رئیس‌جمهور ریگان دموکراتی سابق بود که بعدها جمهوری‌خواه شد، ستاره سابق رسانه‌ها، مردی شناخته‌شده به‌خاطر بیان روشن و با حس شوخ‌طبعی عمیق، و محافظه‌کار مالی‌ای که علیه استبلیشمنت در واشینگتن، دی‌سی، کارزار می‌کرد. با این حال، علی‌رغم سخنان ریگان در نخستین کارزارش علیه استبلیشمنت (باتلاق) ریشه‌دوانده در پایتخت کشور، او در نهایت درصد بالاتری از سیاستمداران جهانی‌گرای شناخته‌شده را نسبت به هر رئیس‌جمهور مدرن دیگری تا آن زمان به مناصب کابینه‌اش منصوب کرد. او حتی تا آنجا پیش رفت که جرج بوش اول را به‌عنوان معاون خود برگزید؛ مردی که ریشه‌های خانوادگی‌اش به گذشته‌های دور تاریخ جهانی‌گرایی بازمی‌گردد.

ترامپ با شعار پاکسازی دستگاه حاکمه‌ای که آن را «باتلاق» می‌نامید وارد کارزار انتخاباتی شد، اما کارنامه‌اش در انتخاب مردانی برای همکاری نزدیک، بزرگ‌ترین ضعف او را نشان می‌دهد. تقریباً همه آن افراد نمایندگان همان «باتلاقی» بودند که ترامپ با آن سرسختانه مخالفت می‌کند. ترامپ، همچون ریگان، دموکراتی سابق که جمهوری‌خواه شد، ستاره‌ای سابق رسانه، مردی شناخته‌شده به سخنوری، با حس طنزی عمیق، و یک محافظه‌کار مالی بود.

آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده در زمانی که تصویر پاپیت (تصویر وحش) در ایالات متحده شکل می‌گیرد، رئیس‌جمهور خواهد بود. بنابراین، هشتمین و آخرین رئیس‌جمهور از سال ۱۹۸۹ درگیر جنگی با قدرت اژدها خواهد شد، زیرا در جنگی طولانی و فرسایشی با اژدها بود که پاپیت نخست در سال ۵۳۸ به‌دست قدرتی اژدهاگونه بر تخت نشانده شد و سپس در سال ۱۷۹۸ به‌دست همان قدرت اژدهاگونه از تخت به زیر کشیده شد، و بار دیگر به‌دست قدرت اژدها، که ده پادشاه موافق واگذاری هفتمین پادشاهی خود به پاپیت، نماینده آن‌اند، بر تخت نشانده خواهد شد، و همان‌ها پس از آن، هنگامی که او را با آتش می‌سوزانند و گوشتش را می‌خورند، این وحش پاپی را از تخت به زیر خواهند کشید، در حالی که او بی‌هیچ یآوری به پایان خود می‌رسد.

رئیس‌جمهوری که قرار است هشتمین باشد - یعنی از همان هفت تا - همچنین همان رئیس‌جمهوری خواهد بود که درگیر جنگی با یک قدرت اژدهایی است. این جنگ زمانی مشخص می‌شود که ششمین و ثروتمندترین رئیس‌جمهور تمام قدرت‌های اژدهایی جهانی‌گرا را برمی‌انگیزد. از میان هشت رئیس‌جمهور نهایی که از سال ۱۹۸۹ به بعد بوده‌اند، دو نفر درگذشته‌اند و شش نفر باقی می‌مانند که ممکن است درگیر جنگی با یک قدرت اژدهایی شوند.

از آن شش گزینه، چهار نفر آشکارا جهانی‌گرایانی هستند که از قدرت اژدها نیرو می‌گیرند. یکی از آن شش نفر، مانند پدرش، خود را جمهوری‌خواه می‌خواند، اما او فقط در نام جمهوری‌خواه است و، مانند پدرش، نماینده قدرت اژدهای جهانی‌گرایان است. از میان شش رئیس‌جمهور زنده، فقط یکی به روشنی جهانی‌گرا نیست و او همان رئیس‌جمهوری است که جهانی‌گرایان را برمی‌آشوبد. او تنها کسی از میان هشت رئیس‌جمهور اخیر است که می‌تواند عنصر تصویر پاپی را، از حیث درگیر بودن در جنگی با یک قدرت اژدها، محقق کند.

نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه به‌طور مشهور بخشی از کتاب مقدس درباره جنگ داخلی آمریکا را نقل کرد که دقیقاً به همین واقعیت می‌پردازد.

و عیسی افکار ایشان را دانست و به آنان گفت: هر پادشاهی که بر ضد خود تقسیم شود، به ویرانی کشیده می‌شود؛ و هر شهر یا خانه‌ای که بر ضد خود تقسیم شود، برقرار نخواهد ماند. و اگر شیطان شیطان را بیرون کند، بر ضد خود تقسیم شده است؛ پس چگونه پادشاهی او برقرار خواهد ماند؟ و اگر من به وسیله بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما به وسیله چه کسی آنان را بیرون می‌کنند؟ از این‌رو ایشان داوران شما خواهند بود. اما اگر من به روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، آنگاه پادشاهی خدا بر شما فرا رسیده است. متی ۱۲:۲۵-۲۸.

جنگ اژدها علیه ثروتمندترین رئیس‌جمهوری که قلمرو یونان را به آشوب کشاند، تنها می‌تواند میان دونالد ترامپ و جهانی‌گرایان باشد؛ زیرا پنج رئیس‌جمهور زنده دیگر همگی جهانی‌گرای ضد آمریکا هستند. وقتی لینکلن برای پرداختن به تقسیم ملت به دو اردوگاه موافق برده‌داری و مخالف برده‌داری آیات پیشین را نقل کرد، دموکرات‌های موافق برده‌داری و جمهوری‌خواهان مخالف برده‌داری را مخاطب قرار می‌داد و بدین‌سان به جنگ روزهای آخر میان دموکرات‌های جهانی‌گرا می‌پرداخت؛ جنگی که آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه با جنبش ماگاگرایی خود، که نمایندگی‌اش می‌کند و رهبری‌اش را بر عهده دارد، آن را برمی‌انگیزد.

به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه، لینکلن نماد آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه است. آخرین رئیس‌جمهور همچنین توسط رئیس‌جمهور جمهوری خواه زمان پایان در سال ۱۹۸۹ نمایندگی می‌شود. این دو شاهد، رئیس‌جمهوری را که نمادش هستند، جمهوری خواه معرفی می‌کنند. رئیس‌جمهور جمهوری خواه زمان پایان در سال ۱۹۸۹ صرفاً یک جمهوری خواه نبود، بلکه نخستین هشت رئیس‌جمهور آخر بود. آخرین رئیس‌جمهور همچنین پیشاپیش توسط جورج واشینگتن، نخستین رئیس‌جمهور و نخستین فرمانده کل قوا، نمادپردازی شده است.

واشینگتن نیز به‌نوبه خود، در دوره‌ای که ۱۷۷۶ نماینده آن بود، به‌وسیله نخستین رئیس‌جمهور نمادینه شده بود، و آن نخستین رئیس‌جمهور (پیتن راندولف) یکی از هفت مردی بود که در خلال هشت دوره‌ای خدمت کردند که هفت مرد نماینده آن بودند. راندولف نخستین آن هشت بود، و از این‌رو نماینده ریگان بود که او نیز نخستین هشت تن بود، و او هشتمی بود که از شمار آن هفت بود. از این‌رو راندولف نماینده واشینگتن (نخستین رئیس‌جمهور)، لینکلن (نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه)، ریگان (نخستین رئیس‌جمهور از هشت‌تای آخر) و هشتمین رئیس‌جمهور پس از ۱۹۸۹ بود؛ که بنا به ضرورت پیشگویانه، هشتمی بود که از شمار آن هفت بود.

واشینگتن همچنین در جان هنکاک تمثیل می‌شد؛ کسی که در تاریخی که با ۱۷۸۹ بازنمایی می‌شود، رئیس‌جمهور بود، و او که، همان‌گونه که راندولف نیز چنین بود، هشتمی بود که از آن هفت بود. راندولف تمثیل واشینگتن بود، پس وقتی هنکاک به‌عنوان هشتمی که از آن هفت است با راندولف هم‌راستا می‌شود، هنکاک نمایانگر هشتمین رئیس‌جمهور پس از ۱۹۸۹ است؛ که بنا به ضرورت پیشگویانه، همان هشتمی خواهد بود که از آن هفت بود.

رندولف، هنکاک، واشینگتن، لینکلن و ریگان همگی نمایانگر رئیس‌جمهور آخر هستند. دو تن از آن گواهان ثابت می‌کنند که رئیس‌جمهور آخر جمهوری خواه خواهد بود. دو تن دیگر ثابت می‌کنند که رئیس‌جمهور آخر هشتم خواهد بود، یعنی از آن هفت‌تاست. پنج رئیس‌جمهور زنده از میان هشت رئیس‌جمهور پس از زمان پایان در سال ۱۹۸۹ نشان می‌دهند که تنها ترامپ ایدئولوژی سیاسی لازم برای درگیر شدن در جنگ با قدرت اژدها را دارد.

پیش از لینکلن، جیمز بوکانن، از حزب دموکرات، بر سر کار بود؛ کسی که تاریخ‌نگاران منصف او را ناکارآمدترین رئیس‌جمهور در آن دوره آغازین تاریخ آمریکا می‌دانند و رهبری ناکارآمدش عملاً به جنگ داخلی آمریکا انجامید. پیش از آن‌که لینکلن سوگند یاد کند، ایالات جنوبی جدا شدن از اتحادیه را آغاز کرده بودند و تنها یک ماه پس از مراسم تحلیف او، نخستین تیرها شلیک شد. بوکانن روندهایی را به جریان انداخت که به جنگی انجامید که لینکلن ناگزیر شد آن را پایان دهد.

ریگان پس از ناکارآمدترین رئیس‌جمهور دوران معاصر به قدرت رسید. کارتر، یک دموکرات، به‌خاطر ناتوانی‌اش در برخورد درست با اسلام افراطی در ایران، ایالات متحده را شرمسار کرد.

پیش از ترامپ، اواما، یک دموکرات، بر سر کار بود که عمداً دودستگی‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را به راه انداخت؛ دودستگی‌هایی که از آن زمان تاکنون تنها تشدید شده‌اند. رهبری ناکارآمد او یادآور هر دو، بوکانن و کارتر، بود، اما در دوره ریاست او، رسانه‌های جریان اصلی از پیش آغاز کرده بودند خود را به موازات وزارت روشنگری عمومی و تبلیغات رایش آدولف هیتلر بروز دهند. حملات اواما به نهادهای اجتماعی، سیاسی، مالی و مذهبی ایالات متحده برای آنان که نخواستند ببینند پوشانده شد و ناکارآمدی او به‌عنوان کسی که سوگند خورده بود از قانون اساسی پاسداری کند، با دقت پنهان نگاه داشته شد. اواما با ناتوانی‌اش در رسیدگی درست به اسلام رادیکال مستقر در ایران، ایالات متحده را شرمسار کرد.

وقتی ترامپ در سال ۲۰۲۴ دوباره انتخاب شود، به‌عنوان هشتمین رئیس‌جمهور از زمان ریگان در سال ۱۹۸۹، باز هم پیش از او یک دموکرات جهانی‌گرا، قدرت‌گرفته از اژدها، خواهد بود که اکنون تاج ناکارآمدترین رئیس‌جمهور تاریخ را تصاحب کرده و در تلاش برای رسیدگی به اسلام رادیکال مستقر در ایران، بارها ایالات متحده را شرمسار کرده است، هرچند رسانه‌های جریان اصلی مدرن (چنان‌که نمونه‌اش وزارت رایش روشنگری عمومی و تبلیغات است) بار دیگر می‌کوشند آن واقعیت آشکار را دفن کنند.

با آغاز به کار ریگان، بحرانی مربوط به اسلام افراطی که در ایران قرار داشت، از سوی رئیس‌جمهور دموکرات حل‌نشده رها شده بود. ریگان بلافاصله گام‌هایی برای معکوس کردن جهت تنش‌ها میان ایالات متحده و اسلام افراطی، که ایران نماینده آن بود، برداشت. با آغاز به کار ترامپ، بحرانی مربوط به اسلام افراطی، که بار دیگر در ایران قرار داشت، نه‌تنها حل‌نشده رها شده بود، بلکه توسط رئیس‌جمهور دموکرات تأمین مالی نیز شده بود. ترامپ بلافاصله گام‌هایی برای معکوس کردن جهت تنش‌ها میان ایالات متحده و اسلام افراطی، که ایران نماینده آن بود، برداشت. رئیس‌جمهور دموکرات کنونی همه پیشرفت‌های حاصل‌شده توسط ترامپ را معکوس کرد و اکنون سراسر جهان به‌سبب رهبری ناکارآمد بایدن به‌سوی جنگ جهانی سوم کشیده می‌شود.

این نه تنها تعامل با اسلام را که ناکارآمدی کارتر نمایانگر آن بود و اواما با ترویج اسلام آن را پیش برد، بلکه اقدام بوکانن در آغاز یک جنگ را نیز تکمیل می‌کند؛ جنگی که رئیس‌جمهور جمهوری خواه می‌بایست آن را حل و فصل می‌کرد.

همچون نخستین رئیس‌جمهور حزب جمهوری خواه، ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ به دست قدرت‌های اژدهاگونه جهانی‌گرا در عرصه سیاست به قتل رسید. در حالی که او در خیابان مرده پنداشته می‌شد، جهانی‌گرایان وحش زمین و جهانی‌گرایان سراسر جهان شروع به جشن گرفتن کردند، چنان‌که در باب یازدهم مکاشفه پیشگویی شده است.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان پیروز شده، ایشان را خواهد کشت. و پیکرهای بی‌جان‌شان در خیابان آن شهر بزرگ خواهد

بود، شهری که از نظر روحانی سدوم و مصر نامیده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب شد. و کسانی از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و ملت‌ها تا سه روز و نیم پیکرهای ایشان را خواهند دید و نخواهند گذاشت که پیکرهایشان در گورها نهاده شوند. و ساکنان زمین به سبب آنان شادی کرده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی کسانی را که بر زمین ساکن بودند عذاب می‌دادند. و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد و بر پای‌های خود ایستادند؛ و هراسی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند افتاد. مکاشفه ۱۱:۷-۱۱

اکنون به سال ۲۰۲۴ رسیده‌ایم؛ سالی که ترامپ بر روی پای خود ایستاده و جهان اژدها که از ۶ ژانویه ۲۰۲۱ در شادی و پایکوبی بود، اکنون با «ترس بزرگ» روبه‌رو شده است. رسانه‌های جریان اصلی (MSM) دچار وحشت شده‌اند. محورهای تبلیغاتی خودشان کم‌کم نگرانی‌شان را آشکار می‌کنند که به قول آن ترانه قدیمی راک‌اندرویل، «آن پیر خسته‌ای که او را پادشاه برگزیده‌اند»، توان آن را ندارد که به اندازه کافی به ارقام ترامپ نزدیک بماند تا ماشین‌های رأی‌گیری‌شان بتوانند بایدن را از خط پایان عبور دهند. رسانه‌های جریان اصلی اکنون به همان اندازه دستگاه تبلیغاتی هستند که در روزگار هیتلر وزارت روشنگری عمومی و تبلیغات رایش بود.

این واقعیت بارها چنان به اثبات رسیده که از حیث ریاضی هیچ احتمال دیگری متصور نیست. هر بار که یک محور تبلیغاتی تازه جهانی‌گرایان به فضای عمومی جامعه وارد می‌شود، بارها ثبت و مستند شده که کانال‌های گوناگون ارتباطی تحت کنترل دستگاه تبلیغاتی اژدها، هنگام توصیف این رویداد یا آن مسئله، عیناً عبارات یکسان را کلمه‌به‌کلمه به کار می‌برند.

اگر هر یک از شما از بازی کودکان قدیمی به نام «telephone»، یا گاهی «whispers» آگاه باشید، می‌دانید که وقتی افراد در یک دایره می‌نشینند و طبق روال بازی، نفر اول در گوش نفر بعدی چیزی را نجوا می‌کند و سپس آن نجوا دور دایره تکرار می‌شود، نجوای اولیه که دور دایره می‌چرخد ناگزیر به چیزی متفاوت از آنچه نجوای نخست بیانگرش بود تبدیل می‌شود. با این حال، رسانه‌های جریان اصلی از پیروان خود انتظار دارند باور کنند که هر روزنامه‌نگار در این کشور و در سراسر جهان به نحوی همان واژه‌ها و عبارات را برای توضیح موضع اژدها درباره یک موضوع یا رویداد برمی‌گزیند. صدها به اصطلاح روزنامه‌نگار به همان رویداد نگاه کردند و نه تنها به همان نتیجه رسیدند، بلکه برای توصیف رویداد دقیقاً همان واژه‌ها و عبارات را انتخاب کردند.

آنچه اکنون به آن می‌پردازیم، حمله به دستگاه تبلیغاتی جهانی‌گرایان نیست؛ بلکه صرفاً شناسایی یک ویژگی پیش‌گویانه جنگ روحانی است که هم‌اکنون در سیاره زمین در جریان است. در زمان مسیح، یهودیان سرانجام به‌طور علنی قیصر را به‌عنوان پادشاه خود برگزیدند، در حالی که مسیحی‌های خود را رد کردند. در آن دوره بحث برانگیز، کاهن اعظم برای به قتل رساندن مسیح استدلالی ارائه کرد که شیطانی و مبتنی بر استدلالی معیوب بود، اما در عین حال درست هم بود.

و یکی از ایشان، به نام قیافا، که در همان سال کاهن اعظم بود، به آنان گفت: شما هیچ نمی‌دانید، و در نظر نمی‌گیرید که برای ما سودمند است که یک نفر برای قوم بمیرد و تمام قوم هلاک نشود. و این را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، پیشگویی کرد که عیسی برای آن قوم بمیرد؛ و نه تنها برای آن قوم، بلکه تا فرزندان خدا را نیز که پراکنده‌اند، در یک‌جا گرد آورد. یوحنا ۱۱:۴۹-۵۲.

کایافا برای حمله به مسیح منطقی می‌ساخت و با این کار در واقع پیش‌بینی درستی می‌کرد. او باور نداشت که مسیح باید قربانی نوع بشر باشد؛ او فقط می‌خواست او را بکشد. رسانه‌های جریان اصلی قدرت اژدها اکنون کاری مشابه را درباره ترامپ انجام می‌دهند. آنها می‌کوشند در میان مردم ترس

القا کنند که اگر ترامپ دوباره انتخاب شود، به یک دیکتاتور تبدیل خواهد شد، مانند آدولف هیتلر. دموکرات‌ها حزبی هستند که طرفدار برده‌داری‌اند و ویژگی‌های حزب نازی را دارند، از جمله ماشین تبلیغاتی جهانی، نه فقط آلمانی؛ اما آنان مدعی‌اند که اگر ترامپ انتخاب شود، دموکراسی برچیده خواهد شد و ترامپ به یک دیکتاتور مانند آدولف هیتلر تبدیل خواهد شد.

این دقیقاً همان چیزی است که کلام خدا درباره آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده بیان می‌کند، هرچند رسانه‌های جریان اصلی، مانند قیافا که از سوی اژدها الهام یافته بود، درک نمی‌کنند که سخنان‌شان پیش‌گویانه‌اند و واقعاً به وقوع خواهند پیوست.

سرزمین ما در خطر است. زمان نزدیک می‌شود که قانون‌گذارانش چنان از اصول پروتستانیسم تبری خواهند جست که از ارتداد رومی حمایت کنند. آن مردمی که خدا برای ایشان به‌گونه‌ای شگفت‌آور عمل کرده و ایشان را توان بخشیده تا یوغ آزارنده پاپی‌گری را بیفکنند، به‌وسیله اقدامی ملی به ایمان فاسد روم نیرو خواهند بخشید و بدین‌سان آن استبدادی را برخواهند انگیخت که تنها در انتظار تلنگری است تا بار دیگر به قساوت و خودکامگی برخیزد. ما با گام‌هایی شتابان هم‌اکنون به این دوره نزدیک می‌شویم. روح نبوت، جلد ۴، ۴۱۰.

آگاه هستیم که وقتی عناصر فاسد دموکرات‌ها در ایالات متحده، جمهوری‌خواهان ادعایی که در واقع جهان‌گرا هستند، و جهان‌گرایان پیشرو جهان را شناسایی می‌کنم، خواننده ممکن است به این باور برسد که من نوعی همدلی سیاسی با حزب جمهوری‌خواه یا دونالد ترامپ دارم. این با واقعیت امر فاصله بسیار دارد؛ آخرین رئیس‌جمهور قرار است به دیکتاتور تبدیل شود، همان‌طور که رسانه‌های جریان اصلی پیش‌بینی می‌کنند، هرچند آنان درباره آنچه واقعاً پیش‌بینی می‌کنند بیش از قیافا نمی‌دانند. ما صرفاً در پی شناسایی پویایی‌های نبوی مرتبط با «درهم‌تنیدگی پیچیده رویدادهای انسانی» هستیم؛ پویایی‌هایی که با چرخ‌ها در درون چرخ‌های حزقیال به تصویر کشیده شده‌اند. ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.